

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: آیه چهارم - مفردات: «یوم» - «دین»
تاریخ: ۱۳ دی ۱۳۹۵
مصادف با: ۳ ربیع الثانی ۱۴۳۸
جلسه: ۲۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

در مورد مفردات آیه چهارم بحث از کلمه «مالک» گذشت.

۲. «یوم»

معنای لغوی و عرفی

اما کلمه «یوم» به حسب آنچه که شایع و متعارف می‌باشد، معنای آن عبارت است از «روز» یعنی زمانی که هوا روشن می‌باشد، یا مجموع شبانه روز، چون در هر دو استعمال می‌شود، گاهی روز گفته می‌شود و مراد فقط خصوص زمان طلوع تا غروب خورشید است، و گاهی یوم گفته می‌شود و مقصود مجموع بیست و چهار ساعت است یعنی مجموع یک شب و یک روز، هر دو استعمال می‌شود و در عرف بین مردم این معنا رایج است، حتی در لسان متشرعه و لسان ادله هم گاهی به همین معنا بکار می‌رود، مثلاً در روایات مربوط به قصر صلاة «مسیرة یوم» وارد شده است، یعنی آن مقداری که در یک روز طی می‌کردند تا در یک منزل گاهی استراحت کنند.

معنای یوم در قرآن

اما در این آیه و بطور کلی در قرآن، «یوم» نه به معنای روز در مقابل شب می‌باشد و نه به معنای مجموع روز و شب، آنچه که می‌تواند به عنوان شاهد بر این ادعا باشد این است که:

۱- «یوم» در قرآن در مقابل «لیل» نیامده، آنچه که در مقابل «لیل» آمده «نهار» است، خود این حاکی از این است که یوم به معنای روز نیست.

۲- بعلاوه «یوم» در مواردی که مثل «یوم الدین» در این آیه استعمال شده، تنبیه و جمع ندارد.

آنچه که می‌توانیم برای معنای یوم در این آیه ذکر کنیم دو احتمال می‌باشد که هر دو هم قائل دارد.

احتمال اول

یکی اینکه یوم به معنای یک دوره می‌باشد، یک دوره زمانی، طبق این احتمال حد و اندازه خاصی در معنای کلمه یوم اخذ نشده است، اصلاً اینکه مثلاً مجموع چند ساعت یا زمانی که تاریکی نیست مقصود باشد اینگونه نیست، یوم در واقع یک دوره، یک ظرف خاص، یک اندازه‌ای که حدود خاصی برای آن تبیین نشده است.

لذا ما می‌بینیم در مورد روز قیامت تعابیر مختلفی در آیات و روایات آمده است، مثلاً از پیامبر گرامی اسلام (ص) سوال شد که: روز قیامت چه مقدار طول می‌کشد، «یا رسول الله ما أطول هذا الیوم؟»، طول روز قیامت چه مقدار است،

«قال(ص): و الذي نفس محمد بيده انه ليخفف على المؤمن، حتى يكون أخف عليه من صلاة مكتوبة يصلها في الدنيا»،
 قسم به کسی که جان من در دست اوست این روز برای مؤمن بسیار کوتاه است به اندازه‌ای که از زمان اتیان به یک
 نماز واجب که در دنیا می‌خواند هم کوتاه‌تر است، اما در مقابل برای بعضی حدود پنجاه هزار سال است، در قرآن آمده
 «فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»^۱، اگر شما بخواهید با همین معیارهای دنیایی حساب کنید، برای برخی پنجاه
 هزار سال و برای برخی به مدت ده دقیقه یا یک ربع، طبق صریح آیه قرآن و روایت پیامبر گرامی اسلام(ص) برای
 مؤمن کمتر از یک نماز واجب و برای غیر مؤمن حدود پنجاه هزار سال طول می‌کشد. خود طول این زمان حتی اگر
 هیچ عذابی نباشد، همین انتظار برای تعیین تکلیف و محاسبه و حسابرسی، خود این یک عذاب بزرگی است که کسی
 پنجاه هزار سال معطل شود تا تکلیف او مشخص شود، با اینکه در مورد قیامت کلمه یوم بکار رفته است، اما همین که
 برای بعضی پنجاه هزار سال و برای برخی به اندازه یک نماز واجب طول می‌کشد، حاکی از این است که در اینجا منظور
 از یوم، یوم مصطلح و متعارف بین مردم نیست، این نشان می‌دهد در کلمه یوم حد و اندازه و مقدار خاصی وجود ندارد،
 بلکه یوم در حقیقت اشاره به یک دوران، به یک دوره یا شرایط یا موقعیت اطلاق می‌شود، لذا در بعضی از آیات
 می‌بینیم که این یوم به اندازه هزار سال یاد می‌شود «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ
 كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ»^۲، لذا طبق این احتمال حد خاصی در مورد کلمه یوم اخذ نشده بلکه اشاره به دوره، موقعیت،
 شرایط و فضای خاصی دارد.

اشکال

چون ما ادعا کردیم که در قرآن کلمه یوم به معنای مجموع شبانه روز یا خصوص روز در مقابل شب نیامده است، لذا
 هیچ‌وقت تقدیر و اندازه در مورد یوم ذکر نشده است، لذا ممکن کسی این ادعا را نقض کند به بعضی از آیات، مثل آیه
 «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ»^۳، «ستة ایام» شش روز می‌گوید، ما گفتیم معمولاً حد و اندازه برای یوم ذکر
 نمی‌شود، یا آیه دیگر «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا»^۴، در دو روز و در شش روز بیان
 شده است که خلق سماوات و زمین بوده است یا تقدیر هفت آسمان در این دو روز انجام شده است، حال آیا در این
 مواردی هم که حد خاصی ذکر شده است، می‌توانیم بگوییم یوم به معنای روز نیست؟

پاسخ

پاسخ این است که در خصوص این موارد هم قطعاً همین‌طور است، چون یک شاهد روشنی دارد و آن این است که
 اساساً روز به معنای مصطلح و متعارف، که حال یا خصوص روز در مقابل شب است یا مجموع شبانه روز، این بعد از
 خلق آسمان و زمین پدید آمده است، یعنی آسمان و کرات آسمانی، سیارات و ستاره‌ها خلق شده‌اند، زمین و خورشید

۱. سوره معارج: آیه ۴.

۲. سوره حج: آیه ۴۷.

۳. سوره اعراف: آیه ۵۴.

۴. سوره فصلت: آیه ۱۲.

هم خلق شده، در اثر گردش زمین به دور خورشید شب و روز پدید می‌آید، پس تا آسمان و زمین خلق نشده اصلاً روز به معنای مصطلح موجود نشده است، بنابر این اگر در آیه می‌فرماید «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» یا «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا»، قطعاً این سته ایام و یومین اشاره به این معنای شایع و متعارف ندارد، لذا اینجا هم که «یوم» به کار رفته است در حقیقت ممکن است مقصود از «سته ایام» در شش دوره و مرحله باشد، یا «یومین» اشاره به دو مرحله یا موقعیت داشته باشد، همان‌طور که در معنای یوم گفتیم. پس قطعاً مقصود از «سته ایام» و «یومین» دو روز و شش روز متعارف نیست.

آنچه که اجماًلاً در اینجا می‌توانیم بگوییم همین است که بگوییم خداوند متعال آسمان و زمین را در شش مرحله و دوره یا موقعیت و شرایط مختلف خلق کرده است.

علی‌ای حال یک احتمال همین است که عرض کردیم که یوم به معنای یک دوره و یک موقعیت و شرایط است که حد خاصی در آن نیست.

در بعضی آیات و روایات هم شاهد بر این مدعی وجود دارد، مثلاً روایت داریم «الدنیا یومان، یوم لک و یوم علیک» دنیا دو روز است، یک روز به نفع تو و یک روز به ضرر تو، در اینجا قطعاً مقصود این معنای متعارف نیست، یعنی دو موقعیت دارد، در بعضی موقعیت‌ها به نفع شما و در بعضی موقعیت‌ها به ضرر شماست، یا مثلاً از آیات قرآنی استفاده می‌شود که دنیا و آخرت در مقابل هم هستند و هر دو مضاف الیه یوم واقع می‌شوند، «یوم الدنیا» و «یوم الآخرة»، روز دنیا و روز آخرت، یا مثلاً از دنیا تعبیر به «یوم العمل» می‌شود و از آخرت تعبیر به «یوم الجزاء» می‌شود، دنیا دار عمل است، آخرت دار مکافات و جزاء و محاسبه و مجازات، این استعمالات در روایات و آیات، کم نیستند، ما اگر مجموع اینها را کنار هم بگذاریم این حاکی از این است که حتماً یوم در این آیه «مالک یوم الدین» به معنای روز یا مجموع شبانه روز نیست، بلکه به معنای دوره و موقعیت و شرایط خاص است که حد و اندازه هم ندارد.

احتمال دوم

یک احتمال دیگر وجود دارد و آن اینکه یوم به معنای ظهور است، «مالک یوم الدین» یعنی مالک ظهور دین، یوم به معنای ظهور است. «کل یوم فی شأن» هم در واقع می‌خواهد بگوید، یعنی کل ظهور هو فی شأن، یعنی در هر ظهوری او در یک شأن و در یک شرایط و موقعیتی است، حال اینکه ما بخواهیم یوم را به معنای ظهور بگیریم، این البته یک مقداری تکلف دارد ولی بهر حال در استعمالاتی که در عرف و لغت و در لسان آیات و روایات ذکر شده به این معنا به خصوص کمتر وارد شده است، این که ما بگوییم «یوم الدین» یعنی «ظهور الدین» البته معنای آیه با این سازگار است. اما اجماًلاً اینکه یوم در اینجا به معنای ظهور باشد، حداقل خیلی از نظر لغت، از نظر استعمالات عرفی نمی‌توانیم برای آن شاهی پیدا کنیم، اما با معنای خود آیه که خواهیم گفت تناسب خوبی دارد.

نکته

کلمه یوم به غیر از استعمالی که در این آیه دارد که اضافه به «دین» شده است، در موارد متعددی هم به عنوان موصوف و هم به عنوان مضاف ذکر شده که اکثراً اشاره به همان روز قیامت دارد، یوم در قرآن عموماً در همان معنای قیامت به کار رفته است، چه به معنای دوره بگیریم و چه به معنای ظهور، مثل: «اليوم الآخر»^۱، یا در آیه دیگر اینطور وارد شده است «یوم یقوم الروح»^۲، این اشاره به همان روز قیامت دارد، یا در آیه «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّسْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»^۳، وای بر کسانی که کافر شدند در آن روز قیامت چه در انتظار آنهاست، یا آیه «إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ»^۴ وصف محیط، وصف عظیم، یا وصف «یقوم الروح» یا «الآخر» همه در مورد یوم بکار رفته و اشاره به آخرت دارد، یا آیه «يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ»^۵ روزی که در آن روز شما می بینید که هر مرضه‌ای از شیر دادن فرار می کند و هر ذات حملی حمل خود را می گذارد.

پس این استعمالات با اینکه در همه آنها کلمه «یوم» استعمال شده است، اما اشاره به روز قیامت دارد، فرقی هم نمی کند که یوم را به معنای ظهور بگیریم یا به معنای یک دوره و شرایط یا موقعیت خاص، مثلاً «یوم عظیم» می تواند یک دوره با عظمت باشد و هم به معنای یک ظهور بزرگ باشد، «یوم المحيط» هم می تواند به معنای یک دوره محیط باشد و هم یک ظهور این چینی، یا «یقوم الروح» و «الآخر» هم همینطور، که یک دوره دیگر یا ظهور دیگری است.

۳. «دین»

«دین» عمدتاً در ترجمه‌ها به معنای جزاء آمده است «مالک یوم الدین» را معنا می کنند به مالک روز جزاء، «جزاء» یعنی پاداش دادن و مجازات، اگر عمل خیر و نیک بوده پاداش داده می شود و اگر شر بود عقاب و کیفر به دنبال خواهد داشت، در روایات هم نوعاً به این معنا بیشتر اشاره دارد، مثلاً در روایتی که از امام صادق (ع) وارد شده است در تفسیر «مالک یوم الدین» می فرماید: «قال: يوم الحساب»، این حساب همان مجازات است، «یوم الدین» را تفسیر کرده است به «یوم الحساب»^۶، نظیر همین معنا از امام رضا (ع) هم وارد شده که «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِقْرَارٌ لَهُ بِالْبَعْثِ وَ الْحِسَابِ وَ الْمُجَازَاةِ»^۷، مالک یوم الدین، یعنی در حقیقت اقرار می کند به عالم قیامت، به برانگیخته شدن و حساب و مجازات، دین در اینجا به معنای بعث و حساب و مجازات گرفته شده، شاید علت اینکه در ترجمه‌های متعارف هم دین ترجمه شده به جزاء بخاطر همین روایات است.

۱ . البقرة: آیه ۸.
۲ . سوره النبأ: آیه ۳۸.
۳ . سوره مریم: آیه ۳۷.
۴ . سوره هود: آیه ۸۴.
۵ . سوره الحج: آیه ۱۲.
۶ . نور الثقلین، ج ۱ ص ۱۹.
۷ . من لا یحضر، ج ۱، ص ۲۶۹.

ولی «دین» یک معنای جامع و کاملی دارد، «دین» شامل توحید که اعتقاد است تا مجازات و جزاء می‌شود و لذا جزاء همه دین نیست، توحید، نبوت، ولایت، عبادات و اسرار آنها، حقیقت انسان‌ها، اینکه باطن انسان‌ها چگونه است، مثلاً اگر کسی فلان گناه را انجام می‌دهد یک صورت باطنی دارد این عمل که این صورت باطنی حقیقت این شخص است، یعنی کسی که از دستور دین فاصله بگیرد، صورت عملی و صورت باطنی خودش آن چیز می‌شود، امام(ره) در مطالبشان دارند که کسی که غیبت می‌کند، همین الان که غیبت می‌کند، این غیبت مولودی دارد که آن مولود یک موجود وحشتناک(مار و عقرب و...) می‌باشد، اینها ولیده انسان هستند، خود انسان این حیوانات موزی را تولید می‌کند، این حیوانات موزی همین الان هم هستند، اینگونه نیست که اگر کسی مرد، حیوانات موزی بیایند و او را احاطه کنند، مار و عقربی که در عالم قبر به سراغ اشخاص می‌رود اینگونه نیست که به عده زندان‌بان این مار و عقرب‌ها را بدست گرفته باشند و کسی که به زندان وارد می‌شود اینها را به جان آن شخص بیندازند، نه، اعمال انسان است که مار و عقرب تولید می‌کند یا بوستان و گلستان، وقتی گناه زیاد می‌شود این وجود محاط به این حیوانات موزی می‌شود، همین الان اهل گناه این موجودات را دور خود دارند، منتهی نمی‌بینند، مرگ که پیش می‌آید و حجاب‌ها کنار می‌رود اینها هویدا می‌شود، لذا مسئله بسیار جدی و سخت است، اگر دقت کنیم، اینها مولود خود انسان هستند، اگر حجاب این دنیا کنار برود و حقیقت عمل انسان دیده شود معلوم می‌شود.

پس «دین» در واقع یک حقیقت جامعی است که از توحید تا مجازات در آن وجود دارد، توحید، نبوت، ولایت، باطن انسان، باطن اعمالش، کسی از دین فاصله بگیرد باطن عمل او چیز دیگری می‌شود، جزاء یکی از اینها است. پس در مورد «یوم» دو احتمال بود که عرض کردیم، در مورد «دین» هم دو احتمال بود که عرض کردیم، جزاء و آن معنای کلی.

بحث جلسه آینده

حال باید بر اساس معانی که برای مفردات این آیه گفتیم (مالک، یوم، دین)، یک جمع‌بندی کلی از آیه انجام دهیم و آن - شاء الله به سراغ آیه بعد برویم.

«والحمد لله رب العالمین»